

هامون ایران

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

زمستان است؛ تحلیلی از حمید مودنی بر وضعیت فرهنگی و اجتماعی بوشهر

اسماعیل حسام مقدم، 2018 · Saturday, February 17th

زمستان است

تحلیلی بر وضعیت فرهنگی و اجتماعی بوشهر

حمید مودنی

منتقد فرهنگی

۱. زمستان است: وضعیت سیاسی و اجتماعی بوشهر تابعی از وضعیت جاری و غالب در کشور است. در واقع ما از واقعیت به وانموده (مجازی)، از درک حضور دیگری به خودشیفتگی و از فردیت به اتمیزه شدن (هر کس به فکر خودش) گسیل کرده ایم. این گسیل نامیمون، متأثر از ناکارآمدی نهادها، نهاد ستیزی تاریخی و قوت گرفته ی امروز، فراگیری همه جانبه ی فساد و عملکرد شبکه های اجتماعی است. در اصل، شبکه های اجتماعی در این وضعیت امروزین، مجموع این رخدادهای راهبری و راهبری می کنند. شبکه های اجتماعی، عمل سیاسی را مجازی و کنش مدنی معطوف به خیر عمومی را نهادگریز، شخصی و نارسبستی کرده اند. پان ناسیونالیسم هم در چنین وضعیتی هژمونی پیدا کرده و به گفتمان غالب تبدیل شده است که البته بایست اذعان داشت که باز احیا و غلبه ی ناسیونالیسم نو، یک موج جهانی است که اروپا و آمریکا را هم در بر گرفته است. ترامپ، محصول بازاحیای معاصر ناسیونالیسم و راست افراطی در آمریکاست، بریکزیت در بریتانیا و قوت گرفتن احزاب دست راستی در کشورهای دیگر اروپایی و تضعیف اتحادیه ی اروپا نیز متأثر از این شرایط است. دموکراسی علیه دموکراسی نیز در این وضعیت، رخ داده و شرایط دموکراتیک، راه دموکراسی ستیزان را برای تضعیف دموکراسی و نهادهای دموکراتیک مهیا کرده است. تمامی این توصیفات، زنگ خطر ی ملی و جهانی است. دموکراسی، مدارا و پلورالیسم در خطرند و آژیر قرمز آن به گوش می رسد. اما ایا گوش شنوایی است؟ باید از فروغ وام بگیرم که سال ها قبل انگار برای امروزمان سروده بود: گوش کن وزش ظلمت را می شنوی؟ یا از برشت وام بگیرم که گفته بود: آنکه می خندد هنوز خبر ناگوار نشنیده است.

۲. چراغ های رابطه تاریکند: اتمیزه شدن روابط،رها کردن مسئولیت اجتماعی و تنها به خود بسنده کردن، واقعیت امروزین اجتماع ماست که به سهولت می توان آن را مشاهده کرد. دو مثال در این زمینه شورای پنجم شهر بوشهر و مجمع نمایندگان استان بوشهر است. ۴ نماینده ی استان بوشهر هیچ گاه یک کل واحد برای منافع استان نبوده اند. مجمع ۴ نفره ی نمایندگان در دو مرحله ی انتخاب رئیس نتوانسته دست به انتخاب

بزند و در هر دو دوره، انتخاب رئیس مجمع از طریق قرعه کشی صورت گرفته است. نماینده ها در اخبار و گزارش عملکرد، خود را نماینده ی شهرستان و مناطق خود معرفی می کنند و بیشترین تلاش آنها معطوف به جامعه ی هدف رای دهنده برای دوره ی بعد است. منافع استان و تقنین در حوزه ملی، مصالح استان و منافع ملی، اولویت آنها نیست. میان ۴ نماینده، رقابت، تقابل و گاه مواضع تحقیر و تخریب دیده می شود. این شرایط نشان می دهد چسب روابط نه روابط سنتی و نه شرایط مدرن است بلکه چسبی وجود ندارد و روابط متمیزه شده و از هم گسیخته است. شورای شهر بوشهر هم در یک اشل کوچکتر، همان وضعیت را داراست ولی به گونه ای تلخ تر و تراژیک تر. اعضای ۹ نفره ی این شورا در طول ۴۲ ساعت شبانه روز، تغییراتی ۱۸۰ درجه ای در ائتلاف های خود و رویکردهای خویش بروز می دهند که واقعه، حیرت آور، تاسف بار، دهشتناک و البته قابل تامل است. به لحاظ زبان شناسی این دو عنوان (شورا و مجمع) دالی هستند که مدلول آنها بایست در مشورت گرفتن، توجه به مسایل و مصالح رای دهندگان و ارزش گذاری بر خرد جمعی و تصمیمات معطوف به خیر عمومی منتهی شود. اما در واقعیت، این دو نهاد از معنا تهی شده اند و دال آنها، فاقد مدلول و گاه در تضاد با مدلول معنا بخش آنهاست. شرایط این دو نهاد، شباهتی نزدیک به رمان ۴۱۹۸ جورج اورول دارد. این وضعیت، آشفتگی زبانی را به همراه می آورد که موجب سردرگمی اجتماع می شود، متاثر از آن، کارکرد سیاسی فاقد کنش واقعی و لازم می شود و شهروندان را بر ضد این نهادها مبدل می سازد و آنچه در این شرایط، لطمه می بیند، تضعیف نهادها به عنوان یکی از ارکان مهم دموکراسی، ارزش زدایی از روح دموکراسی و انتخابات به عنوان یک رویکرد معطوف به خیر اجتماعی، تضعیف اعتماد و مسئولیت اجتماعی و در نهایت، به سمت انحطاط کشاندن جامعه است. اما نکته ی مهم این است که شورای شهر و مجمع نمایندگان استان به مثابه ی آینه ی روبروی خودماست. ما در حال مشاهده ی خود و جامعه مان در این آینه ها هستیم.

۳. روزگار غریبی است: مردم بوشهر به دلیل شرایط آب و هوایی گرم و مرطوب طاقت فرسا، نظام های سیاسی آمرانه ی تجربه شده، تمرکزگرایی دولت، کوچک بودن، کمی جمعیت و پراکنده بودن شهرها و روستاها، از آنها مردمانی ساکت، محجوب و خجل، همراه با رویکردهای تقدیری و هرچه بادا باد ساخته است. حوزه عمومی برای این مردمان، جایگاهی نداشته و گفت و گو در فضاهای شهری و عمومی شکل نمی گرفته است. آنها همچون کمبود باران که مراسم گلی گلی برای آن انجام می دهند برای عرصه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود نیز بجای آسمان، مرکز نشینان (بالاسونی ها) را مقصر ناکامی خود بر می شمردند. آنها گله گذارند و نه من

اسماعیل حسام مقدم، [۱۳:۳۲ ۸۱.۲۰۰۵۰]

تقد. در دهه ی ۹۰ با افول اصلاحات، افزایش فقر و فساد، پایین رفتن سطح امید، مسئولیت و اعتماد اجتماعی و ناکارآمدی دولت؛ شبکه های اجتماعی وارد کارزار و میدان شدند. در بوشهر کاربران این شبکه ها، لکننت و سکوت تاریخی مردمان این شهر را شکسته و آلترناتیو صدا و فریاد آنها شدند. با مجازی شدن سیاست و کنش اجتماعی متاثر از این شرایط، نگاهها به افراد جدید و در حاشیه ای ختم شد که متاثر از این شرایط و در عرصه مجازی به عرضه ی خود می پرداختند. این افراد وابستگی سیاسی نداشتند و اغلب نهادهای سیاسی به ویژه اصلاح طلبان و روزنامه نگاران مستقل را مورد هجمه و شماتت قرار می دادند و این صراحت مجازی به آنها هویتی بخشید که مختص این زمانه بود. نهاد ستیزی و فاسد بر شمردن همه طیف ها به ویژه آنها که مورد اقبال عمومی قرار گرفته بودند از کارویژه های این طیف جدید مجازی بود. طولی اما نکشید که آنها بجای زبان جامعه به افرادی تبدیل شدند که عرضه ی خود به جامعه را دلچسب تر دیدند و این طعم دلچسب، تمام عملکرد و ذهنیت آنها را فراگرفت. آنها از طلوع صبح تا پاسی از شب در نقاط مختلف شهر حضور یافته و کاستی و معظلات را در پس زمینه ی چهره ی خود به نمایش در آوردند. در جشن ها، مراسم عزا و اکثر گردهمایی های رسمی و غیر رسمی حضور یافتند و این حضور را به صورت استوری یا لایو در شبکه های اجتماعی به نمایش گذاشته و می گذارند. عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی برای آنها تفاوتی نمی کند و از هر طرف که بنگری این فعالین در آنجا، حضور پویا و مستمر دارند! برخی سیاسیون، اهالی اقتصاد و بازار و فرهنگ نیز از آنها جهت همراهی خود و یا تضعیف رقیب به عنوان گروههای فشار،

استفاده کرده و به ایمن سازی و تبلیغ خود اقدام می کنند. عرصه ی تقابل سه ماهه ی شورای شهر بوشهر ، مهم ترین وجه نمود این قشر مجازی بود که منجر به افزایش کمی این افراد مجازی شد. با این حجم فعالیت و وقت گذاشتن ، این افراد در کوتاه ترین زمان ممکن، از یک شهروند عادی به یک سلبریتی محلی تبدیل شدند. نارسسیسم و رویکردهای پان ناسیونالیستی (زنده باد بوشهر) ویژگی مشترک این طیف است که می توان آنها را “ناسیونارسیسیست ” مجازی نام داد. سلبریتیزه شدن امر اجتماعی به اتمیزه شدن بیشتر اجتماع، تخریب نهادها و ایجاد شرایطی منجر شد که این سلبریتی ها بدون تهدید و تحدید و در وضعیتی ویژه ی خود، نهادهای گفتمان رسمی را به چالش کشیدند. اعلام تعطیلی مدارس، اشارات تهدید آمیز انگشت اشاره به مسیولان رو به دوربین و ... آنها را به سلبریتی های مجازی عصر وانموده ها و قهرمانان ذهنی خویش و سمپاتها ، تبدیل کرده است. سلبریتی های مجازی خروجی و منتج از شرایط سیاسی – اجتماعی گاتهام سیتی وار اکنون ، در حال تقویت و غلبه ی گفتمان گاتهام سیتی هستند . متاثر از عملکرد این سلبریتی ها؛ مدرنیته، جامعه مدنی ، نهادگرایی رو به تضعیف است و بایست امیدوار باشیم دغدغه های خیر آنان معطوف به تشکیل نهادهای مدنی(ان. جی. او) شود و نهادها متاثر از عملکرد مدنی شهروندان به نهادهای سلبریتی تبدیل شوند.

This entry was posted on Saturday, February 17th, 2018 at 7:44 am and is filed under [اصناف](#), [دیگری](#), [مقاله و یادداشت](#)

You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can leave a response, or [trackback](#) from your own site.